

سلام بر جاده‌های پر عابر جوانی. درود بر گذر که زیبای متصوّد. بگذارید اشراقی تر به جوانی نگاه کنیم: جوانی، خوش مرحدای است اگر انسان به تن تمیز فطرت باز کرده و بانورهای درون، یکی یکی دست بدهد. با گل سرخ سلام به پیشواز بقیه سال هارود. رد پای عشق را بگیرد تا به سرزمین دل انگیز ایمان برسد و آنجا با نام مرغان باغ ملکوت رفیق شود. جوانی، گاه مناسبی برای دیدن مناظر سکنت از باغ خداست. جوانی، بوی بی قراری‌های بهار است در تن، تا برویم به سوی دشت‌های فرزند سلوک. آن هم با کفش‌های مکاشفه. ساعت زندگی در جوانی کوک می‌شود و صد افسوس که زمان قیمتی در جوانی، دوان دوان پیش می‌رود. پنهان در ابریشم مهر و حریر عشق، سوغات نفس می‌آورد. می‌گذارد و می‌رود. چهرانی پر از حرف‌های تازه و نقره‌ای. جوانی که می‌رود، تازه می‌فهمیم جهان چه قدر زیبایی داشته و ما خبر نداشته‌ایم. تنها ساخور دکان ولایت اندر زمی دانند که یاد سپید جوانی، جدای قند در دهن زندگی است. می‌دانند که بودن در کنار چهره شفا بخش جوانی و قدر دانستن این هم نشین سبز، لیاقتی است و خاطره‌ای.

ولادت با سعادت سرو باغ احمدی، آینه می محمدی، حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان مبارک